

## تغییر و تحول جبر زمان است راه عبور از بحران، تاسیس یک کنگره ملی از تمام گروه های جامعه است

گری های حکومت جمهوری اسلامی، بی سابقه ترین تجمعات و اعتراضات را به نمایش گذاشتند. این وقایع اعتراضی حد اقل در داخل کشور به طور خودجوش و بدون فراخوان از طرف احزاب و نهادهای مشخص روی می دهد زیرا که احزاب و جمعیت های سیاسی شناخته شده و با سابقه به علت تنگناهای موجود واستبداد و اختناق حاکم بر جامعه، دهه ها در فشار و مضیقه و ممنوعیت از فعالیت، قرار داشته و قرار دارند. وتلاشگران ملی و وطنخواه کوشیده اند علیرغم این محدودیت ها به زحمت، شاکله سازمان خود را حفظ نمایند. جبهه ملی ایران در مرداد ماه ۹۷ یعنی چهار سال قبل به حکومت هشدار داد و نقشه راه جهت برون رفت از بحران های عمیق موجود در جامعه را در برداشتن سه گام معرفی نمود. گام اول آزاد نمودن زندانیان سیاسی در سراسر کشور، دوم برقرار نمودن و احترام گذاشتن به تمام آزادی های اولیه و اساسی ملت ایران مانند آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی رسانه ها و آزادی انتخابات، و در گام سوم انجام یک انتخابات سالم و عادلانه برای تاسیس یک مجلس موسسان که نظم و ساختار آینده کشور، در آن ترسیم گردد.

جبهه ملی ایران، خانه سیاسی دکتر محمد مصدق، سازمانی که ۷۳ سال برای آزادی، استقلال، عدالت و استقرار حاکمیت ملی در تلاش بوده و فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته و مادر و خاستگاه بسیاری از سازمان های سیاسی بوده است، اکنون و در این شرایط بحرانی برای اجرائی کردن طرح سه گام خود ضروری می بیند که از همه احزاب و جمعیت های ملی و مستقل

فراهم کرده است. از اعدام های روزهای اول انقلاب تا اشغال سفارت آمریکا، از جنگ تحمیلی ۸ ساله با هزاران کشته و معلول تا اعدام های تابستان ۶۷، از ترورهای داخل و خارج از کشور تا قتل های زنجیره ای نفرت انگیز و از کشتارهای خرداد ۸۸، دیماه ۹۶ تا آبانماه ۹۸، همه را یکجا در کارنامه ی خود دارد. حقیقت این است که این خلاف کاری ها، زندگی را به کام ملت ایران تلخ و طاقت این ملت را طاق کرده است. در چنین اوضاع و شرایط سیاسی، اقتصادی واجتماعی، قتل ظالمانه دختر ۲۲ ساله، خانم مهسا امینی در تاریخ ۲۵ شهریور در بازداشتگاه گشت ارشاد به یک باره کاسه صبر ملت صبور و مظلوم ایران را لبریز و آتش خشم و اعتراض مردم ایران را شعله ور ساخت. قیام ملی و گسترده ای آغاز شد که تا کنون صدها کشته و هزاران مجروح و مصدوم برجای گذاشته و ده ها هزار نفر را در سراسر کشور روانه ی زندان ها کرده است. اما علیرغم تمام تدابیر واقدامات خشونت گرایانه ی حکومت و راه انداختن سنگین ترین ماشین های سرکوب، این قیام و خیزش ملی بعد از نزدیک به دو ماه، فرو ننشسته و روز به روز گسترده تر گشته و طلیعه یک قیام همگانی را از خود نشان می دهد.

در این اعتراض های گسترده بیشتر شعار ها ی معترضان سلبی بوده و آنچه که مردود است فریاد می شود و تغییر و تحول و آزادی مورد درخواست است. اما به راه کار رسیدن به این خواسته ها کمتر توجه می گردد. در این خیزش سراسری و قیام ملی، ایرانیان خارج از کشور نیز به صحنه آمده و در بیش از ۱۶۰ شهر مهم جهان علیه این بیداد

حاکمیت جمهوری اسلامی، پس از قریب به ۴۴ سال حکومت خود، کشور را به شرایط کنونی رسانده که جهانیان شاهد آنند. آزادی های اولیه ملت ایران و استقلال کشور را که عمده ترین اهداف انقلاب ۵۷ بود، به کلی از بین برده و یک شرایط استبدادی خفقان آلود و قرون وسطایی را بر مردم این سرزمین تحمیل کرده است. با سیاست های غلط خود ایران را دچار انزوای جهانی نموده و تحریم های کمرشکنی را بر سر ملت ما بار کرده است. شناختن از سیاست خارجی تنها خصومت ورزی با بیش از نیمی از جهان و باج دادن به روسیه و چین و گذاشتن منابع و همه ی امکانات ایران در اختیار این دو کشور دیکتاتوری فریب کار و طماع بوده است. با از بین بردن تولید داخلی، اقتصاد ملی را نابود و تورم و گرانی روز افزون و فقر و بیکاری و درماندگی برای ملت بزرگ و شریف ایران به بار آورده است. مبالغ هنگفتی از اموال و منابع مالی کشور را برای گروه هایی مانند حزب الله، حماس، حشدالشعبی، حوثی ها و سایر گروه هایی از این دست در جهت اهداف ایدئولوژیک خود در خارج از مرزها صرف نموده و بر خلاف منافع ملی ایران هزینه کرده است. به ظهور رسیدن فسادهای گسترده در بسیاری از کارگزاران حکومت که سرسام آور و حیرت انگیز و در تاریخ بی سابقه بوده است. فراری دادن بسیاری از مغز های متفکر و شایسته ترین نخبگان کشور که بالا ترین و ارزشمند ترین سرمایه های جامعه اند به خارج از کشور. به انحای مختلف موجبات فرار و خروج مقادیر عظیمی از سرمایه های کشور به خارج از مرزها را

این مجلس شورای ملی موقت می تواند با انتخاب یک هیات اجرائی از میان اعضای خود شالوده گروهی را بریزد که به عنوان نماینده موقت و مورد اعتماد ملت ایران روند تغییر و تحول راه گشا در کشور را وجهه همت خود قرار دهد. حکومت دیر یا زود باید بپذیرد که پس از ۴۴ سال کارنامه قابل قبولی در دست ندارد و با این عملکرد غیر قابل قبول و خسارت بار، برای پیشگیری از خونریزی های بیشتر و حوادث سهمگین تر باید قدرت را به صاحبان اصلی این سرزمین یعنی ملت بزرگ ایران واگذار نماید. این تغییر جبر زمان است و بلا تردید انجام خواهد پذیرفت. چه بهتر که به آرامی و مسالمت آمیز و با پرهیز از خشونت صورت گیرد.

کارگران و کشاورزان شرافتمند که سربازان عرصه ی تولید و قدرت بخش توان اقتصادی کشورند. نمایندگان کارمندان دولت، نمایندگان پزشکان و پرستاران این ایثارگران عرصه درمان، نمایندگان مهندسان پیشگامان عرصه سازندگی، نمایندگان حقوقدانان و وکلا، نمایندگان اصناف و بازاریان که همیشه در جنبش های اجتماعی ایران نقش آفرین بوده اند. نمایندگان بازنشستگان گرامی، نمایندگان دارندگان کامیون و ماشین های سنگین، به همراه نمایندگان مورد وثوق مردم از تمام استان های کشور می توانند این کنگره ملی موقت را تشکیل دهند. برخی از نمایندگان این جوامع مردمی ممکن است در حال حاضر در زندان باشند که زندانی بودن آنان مانع گزینش شان نخواهد بود

و اتحادیه های صنفی و جوامع مدنی و شخصیت های سیاسی واجتماعی دعوت نماید که برای تاسیس یک کنگره ملی موقت در کنار هم قرار گیرند. این کنگره موقت برای شروع یک روند دموکراتیک می تواند از مجموعه ای از نمایندگان احزاب و جمعیت های ملی، نمایندگان بانوان حق طلب ایران، نمایندگان شورای هماهنگی معلمان، نمایندگان دانش آموزان دبیرستانی و جوانان و آینده سازان کشور که در این ایام بلوغ سیاسی ورشد یافتگی فکری خود را نشان دادند، نمایندگان دانشجویان ارجمند که مثل همیشه موتور محرکه جنبش های اجتماعی ایران بوده و هستند. نمایندگان اساتید گرامی دانشگاه ها یعنی مریبان و مراجع علمی این سرزمین، نمایندگان

## دست روی ماشه

در جهان از رو در رویی با ملت سربلند بیرون آمده است؟ استعفا را برای چنین روزهایی پیش بینی نموده اند. یا دست کم تغییرات اساسی در روش ها و همکاران نا کارآمد که هنرشان چاپلوسی و بله قربان گوئی است. حکومت محمدرضا شاه پهلوی را همین سنخ افراد به باد فنا دادند. زیرا همه رهنمود شاهانه را تایید می کردند و روز مبادا در مانده شدند.

بدهید. سوم- گیریم که ملت شمارا نمی خواهند؟! که اکثریت چنین هستند و در انتخابات مجلس شورا آنرا نشان دادند. عقل سلیم حکم می کند که شما از مردم عذرخواهی کنید و بسوی ملت روی آورید و اهداف ملی را اولویت بخشی کنید. اشخاص و اهداف را بازمینی نمائید. نه اینکه خود را برای جنگ با ملت آماده کنید. کدام حکومت

اینکه نماینده رهبری در سپاه می گوید باید نیروهائی تربیت کنیم که دست روی ماشه داشته باشند. از چند سو شگفت آور است. نخست- اینکه گواهی می دهد که نیروهای تربیت شده موجود حاضر نیستند بروی مردم خود دست به ماشه ببرند. دوم- مگر قرار است شما با مردمی که به تأیید پایه گذار جمهوری اسلامی، ولی نعمت شما هستند اعلام جنگ

## به غارت و چپاول ملت ایران پایان دهید

آن هم در آستانه سالگرد اعتراضات آبان ۹۸ که در اعتراض به تصمیم حکومت در افزایش بهای قیمت حامل های انرژی شکل گرفت و به شدیدترین شکل ممکن سرکوب گردید؛ هر ناظر بیداری را به این جمع بندی می رساند که مردم ساکن ایران شهروندان این کشور نیستند. شهروندان این کشور در نگاه حکومت، مردم لبنان و عراق و شام

قرار گرفته و آن ها هیچ برنامه ای برای بهبود شرایط اقتصادی مردم ندارند. برنامه های اقتصادی حکومت این روزها بیشتر حول اخذ مالیات و انواع روش های فرو کردن بیش از پیش دستشان در جیب مردم و توامان با آن، بذل و بخشش منابع ملی ایران به نفع چپاولگران داخلی و متحدان خارجی خود سامان می یابد. برنامه انتقال سوخت «هدیه» به لبنان

خوان نعمت جمهوری اسلامی از جیب ملت ایران برای بیگانگان آنچنان گسترده شده است که حکومت تصمیم به تحویل یک محموله سوختی رایگان یا به تعبیر مقامات لبنانی یک «هدیه» به این کشور نموده است. این تصمیم حکومت در شرایطی اخذ شده که مردم ایران تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی ناشی از سوء تصمیم گیری های رژیم

و یمن هستند و احتمالاً آن هنگام که حکومت مدعی حمایت مردم از سیستم و تصمیمات آن‌ها می‌گردد؛ مرادش از مردم، مردم همین کشورها هستند و نه ملت بزرگ ایران!

حکومت جمهوری اسلامی در دهه‌های گذشته و خصوصاً پس از دوران جنگ ایران و عراق که به موجب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد،

دکتر محمد مصدق و میراث دار مبارزین نهضت ملی شدن صنعت نفت، ضمن محکوم نمودن هرگونه هدر دادن سرمایه‌های ملی در قالب هدیه‌های سوختی، چمدان‌های دلاری و سرمایه‌گذاری‌های بدون عایدی در کشورهای دیگر، خواهان انباشت ثروت ملی و هزینه کردن آن در جهت رفاه نسل امروز و آیندگان میهنمان است.

عراق مجبور به پرداخت غرامت جنگی به کشور ما شده است. نه تنها پیگیری ای برای دریافت این غرامت در حدود یک تریلیون دلاری از کشور عراق نکرده بلکه هر روز یک سرمایه‌گذاری جدید با نرخ بازگشت سرمایه صفر درصد در این کشور و سایر کشورهای متحد خود در منطقه انجام داده است. جبهه ملی ایران به عنوان خانه سیاسی

## سیستم‌های منقضی شده

جهانی که با ۲۵ سال همکاری علمی و سرمایه‌گذاری مشترک فضایی عظیم بین سیاره‌ای را برای کلیت بشریت به بیرون از کهکشان راه شیری می‌فرستد و چنین دیدگاه فوق پیشرفته‌ای را نقش می‌زند. مایه شگفتی است که چگونه طالبان را در افغانستان جا می‌اندازد و آن را تحمل می‌کند. حکومت منحطی را که مانع درس خواندن دختران و زنان می‌شود. و در خیابان به طور علنی آدم کشی می‌کند. چگونه وجدانشان آرام می‌گیرد که زنان و دختران نوگل ایرانی که خواسته‌ای جز اولیه‌ترین حقوق انسانی خود را طلب نمی‌کنند، با زدن باتوم به سرشان و با رگبار تفنگ ساچمه‌ای و گلوله جنگی؛ هر روزه بکشند. و در سرتاسر کشور ما این رفتارهای غیر انسانی در این دور جدید حدود دوماه ادامه یابد.

ملت‌های اروپا و آمریکا که اخبار این کشتارهای فجیع قرون جاهلیت را می‌شنوند و گزارش آنرا می‌بینند، چگونه می‌توانند این وضعیت را در دهکده کره زمین تحمل کرده و چرا مسئولان کشوری خود را بازخواست نمی‌کنند.

کشورهای بزرگ جهان که هم امسال بخاطر تجاوز روسیه به اوکراین امنیت شان تهدید شده و میلیاردها دلار هزینه برایشان تحمیل شده است، چرا زیان امنیتی و مالی همدستی حکومت جمهوری اسلامی با دو کشور بزرگ کمونیست را به اندازه کافی بها نمی‌دهند. ایران و افغانستان

و اعلامیه جهانی حقوق بشر را اولویت نخست خود قرار دهند. باید تمام بستگان و وابستگان تروریست‌ها و زیرپاگذارندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر را که با سرقت از مردم کشورهای خود در اروپا و آمریکا و کانادا مانند اشراف زندگی می‌کنند؛ از هرجا که باشند مورد بازبینی و توقیف اموال و اخراج قرار دهند. نه اینکه از دزد زادگان مانند مهمانان محترم پذیرائی نمایند.

برای اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ دستورالعمل اجرائی و حقوقی جامعی تهیه و تنظیم شود تا از حالت تزئینی خارج گردد. در یک جمله «قانون از کجا آورده‌ای را» بگونه‌ای جدی در دستور کار دادگستری کشورها قرار دهند.

اجرای کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر شرط اصلی حق رأی دادن در مجامع بین‌المللی باشد. آیا نوع بشر هنوز به آن درجه از رشد رسیده است که به قوانین بین‌المللی مصوب خودش عمل کند.

کشورهای غربی لازمست در این باره با تجدید نظر اساسی بیندیشند و به آن عمل کنند.

در کنار فرستادن فضایی بین کهکشان‌ی جیمز وب به اجرائی نمودن قوانین اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بها دهند.

برای جان انسان‌ها در اوکراین و افغانستان و ایران نیز بها قائل شوند. بنی آدم اعضای یک پیکرند.

دو کشوری هستند که برگزیدگان فرهنگی ملت‌های آن‌ها در آمریکا و اروپا همکاری نزدیک با مجامع دانشگاهی و علمی و تکنولوژیک دارند. و اگر در کشورهای خود به کار و زیست برگردند، خاور میانه با انفجار پیشرفت‌های تکنولوژیک پیروز شدگی بر عقب ماندگی را استارت خواهند زد. و شریک‌های تمدنی اثر گذاری در هم پائی‌ها و همکاری‌ها با جهان پیشرفته خواهند داشت. آثار فرهنگی شگرفی برای جهانیان به ارمغان خواهند آورد.

مانع بزرگ نخست اروپا و آمریکا هستند که چشم بر اسارت و کشتار زنان افغانستان و ایران بسته‌اند و جنایت‌ها و قساوت‌ها را نادیده می‌گیرند.

خود غرق در مزایای تکنولوژیک و بهره‌وری اقتصادی و برخوردار از مزایای زیست در پناه اعلامیه جهانی حقوق بشر، این سند افتخار بشر قرن بیستم هستند؛ ولی برای دیگران؛ اجرائی شدن همگانی اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای دیگر کشورها؛ باگونه‌ای آپارتاید، الزامی تلقی نمی‌کنند.

ملت‌های دیگر تا چه اندازه باید برای اجرائی شدن اعلامیه جهانی حقوق بشر کشته بدهند تا جامعه جهانی؛ اجرائی شدن کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر را جدی گرفته آنرا شرط عضویت در سازمان ملل قرار دهند.

چرا جامعه جهانی در برابر تروریسم و تروریست‌ها این اندازه ضعف و سستی نشان می‌دهند؟ ملت‌های اروپا و آمریکا باید در اولویت‌های خود تجدید نظر کنند

## اصول اعتقادی جبهه ملی ایران بر گرفته از اساسنامه

اصل یکم: حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم: تأکید بر تأمین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی حزب‌ها، انتخابات و مطبوعات و برابری حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر.

اصل سوم: جبهه ملی ایران برای حفظ احترام به دین مبین اسلام، و همچنین فراهم شدن امکان بهره‌گیری از تمامی توان ملی و مردمی، بر اصل جدایی دین از حکومت تأکید می‌کند. اصل چهارم: استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم: احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبان‌ها و گویش‌های تمامی مردم سرزمین ایران. اصل ششم: تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم: اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر پایه حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور، پشتیبانی از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد، دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی، گروهی و دولتی.

اصل هشتم: حفاظت و حراست از محیط زیست کشور یعنی نگاهداری از جنگل‌ها، مراتع، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و کوشش در راه جلوگیری از آلودگی هوا بر اساس اصول علمی و کارشناسی شده.

تا بود جور و ستم کار سرانِ وطنم  
جور و بیداد بود کارنمای شب و روز  
غمِ جانسوز بود خانه براندازِ تنم  
کآورد پیکِ ستم هدیه برای وطنم  
ادیب برومند

## وکیل ملت یا وکیل الدوله

خود استقلال رای و اندیشه را نیاز دارد. شرایط تبعیت پناهی؛ بازده مجلس شورا رابه نزول اندیشه گی و ابتکار و استقامت برای دفاع از منافع ملت و کشور کشانده است. بگونه ای که در موضوع قرارداد ۲۵ ساله با چین کمونیست و شرط تحمیلی مغایر با استقلال کشور چین که قرارداد علنی نشود؛ هیچ فریاد اعتراضی را نشنیدیم. همچنین وضعیت قرار داد ۲۰ ساله با روسیه در هاله ای از ابهام قرار دارد واز این مجلس کسی صدایی نشنید. کار به جایی رسیده است که دیگر کسی چشم‌داشت حرکت و ابتکاری ازسوی این پارلمان، برای تقویت کشور و حاکمیت مردم را ندارد. حالا شنیده می شود که ۲۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه ای خواستار بر خورد شدید تر با جوانان آزادیخواه معترض شده اند. وکلای مجلس که باید مدافع حقوق ملت و موکلین خود باشند، بر ضد موکلین خود به دولت رهنمود می دهند. آیا این ها وکیل ملتند یا وکیل الدوله؟

انتخاب نام حاکمیت پس از انقراض سلطنت مشروطه در انقلاب بهمن ۵۷ با عنوان «جمهوری اسلامی» با این استدلال انجام گرفت که اکثریت ملت ایران مسلمان بودند. واژه جمهوری هم بدین معنا بود که مقامات حکومتی با برگزاری انتخابات برگزیده می‌شوند. قانون اساسی تدوین شده نیز در بخش هائی حقوق ملت را تبیین کرده است. و قرار بود که مجلس در راس امور باشد.

گرچه از انتخابات تنها شکل ظاهری آن مانده است و اغلب انتخابات با مهندسی و اعمال نظر و محدودیت‌های بی شمار همراه شده است. از جمله اینکه شورای نگهبان برای اعمال نظارت استصوابی قییم گونه ی خود، با بودجه‌هایی سرسام آور، تشکیلاتی سراسر کشوری تدارک دیده است تا مبدا فردی بدور از دید شورا را مردم انتخاب نمایند. فراتر از قوانین شرط خودی بودن و التزام به ولایت و پیروی از رهبری و سر سپردگی های دیگر بگونه‌ای ضمنی جزو شرایط انتخاب شوندگان شده است. درحالی که شورا و شور و مشورت در ذات

## حق بهره مندی از وکیل از حقوق اساسی آحاد جامعه است

در لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۱ به یادگار نماند و کانون وکلای دادگستری نیز به نهادی درون تهی بدل گردد. در این راستا و همراه با گسترش نارضایتی ها نسبت به نحوه حکمرانی حاکمیت، تلاش های حکومت افزایش یافته و این بار شمشیر را از رو بسته و ضمن تصویب آیین نامه ای بر خلاف قانون ناظر بر استقلال وکیل و کانون وکلا ، گامی فراتر نهاده و با دستمایه قرار دادن آیین نامه مذکور ، چتر نظارت استصوابی تمام عیار را در این عرصه نیز به کار گرفته و انتخاب مدیران کانون ها را به انتصاب میدل ساخته تا آشکارا اندک ستون های باقیمانده این میراث گرانبها و نهاد مدنی ارزشمند را تخریب نماید. سازمان حقوقدانان جبهه ملی ایران ضمن محکومیت این اقدامات ، امید دارد وکلای آزاد اندیش، آزادی خواه و عدالت جو بر اساس موازین متقن بین المللی و حقوق بنیادین و اساسی ملت، در این تیره روزی های ایران زمین، تمامی تلاش خویش را برای ناکام گذاشتن ناقضان حقوق شهروندان به کار گیرند.

یکی از حقوق اساسی شهروندان امکان بهره مندی از وکیل مستقل دادگستری است. حق داشتن وکیل مستقل به ویژه آنجا که آحاد ملت برای احقاق حقوق نقض شده خویش توسط حکومت و یا دفاع در قبال اتهامات وارده از سوی آن نیاز به استفاده از وکیل دارند از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد. از این رو بی تردید استقلال وکیل ضامن پاسداری از حقوق ملت و دادرسی عادلانه است. حکومت جمهوری اسلامی به رغم الحاق ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر موازین بین المللی ، پس از انقلاب ۵۷ همواره تلاش نموده تا با استفاده از بازوهای سه گانه تقنینی، اجرایی و قضایی ، این رکن رکین دادرسی عادلانه را با چالش جدی همراه سازد. در کنار تضعیف استقلال قضایی و یک دست ساختن همگی قوای حاکمیت زیر چتر امت محوری، اضمحلال استقلال وکیل نیز گام به گام از طریق وضع قانون و مقرر دنبال شده است. گو اینکه همه تلاش ها بر آن بوده و هست که اثری از میراث ماندگار زنده یاد دکتر محمد مصدق به شرح منعکس

پيام  
تجهم‌علي ايران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: [info@jebhemeliiran.org](mailto:info@jebhemeliiran.org)